**نقد ادبی: دیداری با اکتاویوپاز**

**پرسیوال**

**کریمی، ع**

خیلی وقت پیش بود که شاعر«اکتاویو پاز»را ملاقات کردم،پائیز 1977 در مکزیکوسیتی.توی خیابان بالا و پائین...یک جهنم زنده...دنیای دود و زغال ماشینها... قنادیها را می‏بینم،مهندسان و معماران کیک‏سازیها:دنیای مشعشع بوتیکها...خودم را در یکی از آنها می‏اندازم که بتوانم نفس بکشم...در خیابان«شانزده سپتامبر»راه می‏روم و به‏ چراغانی عید کریسمس دقت می‏کنم،همهمه و صدای آرامبخش موسیقی از بوتیکهای درهم و برهم...دنبال آن دسته از مغازه‏های آب‏میوه‏فروشی می‏گردم که بیشتر آب‏میوهء خالص‏ می‏دهند،و سر آخر وارد یک کتابفروشی می‏شوم که در آنجا مشغول چسباندن آفیشهای‏ تبلیغاتی برای کتابهایی دربارهء«محمد(ص)»،«مسیح(ع)»و«بودا»هستند.یک گدای‏ نابینا از پشت به من تنه می‏زند و در آرامش لابه‏لای کتابها،خاطرهء ماشینها و چراغها، ساختمانهای سر به فلک کشیدهء بانکها،کیسهء پولم ناپدید می‏شود.

در کتابخانه سراغ کتابی از گیرندهء جایزهء نوبل در ادبیات در سال 1977 را می‏گیرم، وینسنت الکساندر1دوست نزدیک شاعر افسانه‏ای اسپانیا فدریکو گارسیالورکا،و اسم اکتاویو پاز را می‏بینم،شاعری که قصد ملاقاتش را دارم و کتابهایش را خوانده‏ام.مثلا«فصل وحشی» به ترجمهء سوئدی از آرتور لوند کویست را به یاد دارم؛کتاب شعری که من بارهای بار بدان‏ مراجعه کرده‏ام،حد اقل به خاطر شعر بلند«سنگ آفتاب».کتابی از وینسنت الکساندر نمی‏یابم،اما کتابهایی از اکتاویو پاز چرا.در کتابی که از طرف انتشارات دانشگاه‏ «اوکلاهما»منتشر شده،دربارهء نظم و نثر از دوست و همکار اکتاویو که یک نویسندهء مکزیکی‏ است و نام کارلوس فوئنتس را بر خود دارد،نقل قول شده است که،پاز را بزرگترین نویسندهء در قید حیات مکزیکی،نوساز بزرگ زبان اسپانیائی و شاعر بزرگ جهان و ادیب می‏داند.تنها شعر،هنر و سیاست مغرب زمین نیست که پاز بدان فعال برخورد کرده است.او همچنین یک‏ آگاه پیشرو در فرهنگ هندوستان،ژاپن و در سیاست جهانی عصر ماست.انتقاد او از مدنیت، رهایی‏بخش و غیردگماتیک است و در هر وقتی شعر و هنر یک چشمهء الهام اوست.او در جایی‏ می‏گوید:«زندگی،نباید تاریخ را مقدس کند که تاریخ باشد».او دربارهء شعر مغرب زمین، از عصر رمانتیک‏ها تا زمان حاضر،نوشته و به عنوان نمونه برای شاعر رمانتیک آلمانی‏ «نووالیس»که می‏خواست جامعه را به یک حماسهء زنده تبدیل کند و برای شعر«ویلیام بلیک» که از سیاست و مذهب متعصب فاصله می‏گیرد،احترام زیادی قائل است.

اکتاویو پاز در مکزیکوسیتی متولد شده.از طرف مادر ریشه‏اش به اندلس می‏رسد و از طرف پدر به مکزیک سرخپوستان.در اروپا(پس از مدتی کوتاه که در جنگ داخلی اسپانیا شرکت داشت)با جنبش سوررئالیسم فرانسه که آندره برتون در رأس آن بود آشنا گشت.

یک کتاب دیگر پاز که در سال 1972 با تصاویر زیادی از طرف انتشارات یک مؤسسهء هنری به چاپ رسید،«میمون زبان‏دان»نام دارد که در تابستان 1970،چند سالی پس از خدمت پاز به عنوان سفیر در هند،در انگلستان تکمیل شد.شخص قهرمان این کتاب به نام‏ «هانومان»یک شخصیت افسانه‏ای در حماسهء شعری«رامانه»هند است-پسر باد،شاعر، قهرمان زبان و پیامبر الهی.

پس از اینکه نامه‏ای به نشانی پاز در مکزیکوسیتی نوشتم و دعوتی دریافت داشتم،او را در یک بعدازظهر ملاقات می‏کنم.او در طبقهء بالای ساختمان بلندی در مرکز بخش نسبتا زیبای‏ مکزیکوسیتی زندگی می‏کند،و آنچه که بیشتر مرا در موقع ورود به اتاق بزرگ نشیمن‏ آپارتمانش می‏گیرد،هنر Tantrisk و مجسمه‏های هندی است.در خلال صحبت از هندوستان، از دوران سفارت خود می‏گوید و دربارهء سال 1968 که او به عنوان یک شاعر،در اعتراض به‏ تیراندازی پلیس دولت مکزیک به سوی دانشجویان تظاهرکننده در طول بازیهای المپیک،از پست سفیری کناره گرفت،که در همین حال صدای ضعیف ترافیک نیز به گوش می‏رسید.

هم با اکتاویو پاز و هم با خانم«ماری یوسه»که متولد مراکش است و پاز در هندوستان‏ به او برخورده،آشنا می‏شوم.یکی از کتابهایش را با خود آورده‏ام،پر از نقاشیهای نقاش‏ معروف مکزیکی«رومینتو تاهایو»است که پاز درباره‏اش می‏گوید،«او پسری از زمین و خورشید است».

ما از دوستش«تامایو»از علاقه‏اش به هنر ژاپن،دربارهء ملی‏گرایی همه‏جانبه«راپوندو» و ملی‏گرایی عامیانه،«والتر ویتمانز»از هرمهای قدرت زمانه و...حرف می‏زنیم.

از علاقه‏ام به«آنتویون ارتود»می‏گویم،این فرانسوی عجیب،که هم در بین‏ سرخپوستان«تارامومار»در مکزیک،و هم در بین سوررئالیستهای فرانسه بود.و از او دربارهء ساموئل بکت می‏پرسم که شعر مکزیکی را در یک گلچین ادبی ترجمه کرده و آنجا یک‏ فرهنگ لغت نوشته...

بعد از صحبت از بکت،او از دوست آهنگسازش«یون کاک»که از فلسفهء ذن بودائی‏ ژاپن الهام گرفته...«کاک»«میچاکس»«کونینگهام»«برتون»...شاعران سوئدی،فلسفهء Tantrisk و احساسات عاشقانه،جنبش آزادی زنان،اندیشه دوچرخه‏سواری،تصویر نو از جهان...

می‏شود از خیلی چیزها با اکتایو پاز حرف زد.«ماری یوسه»می‏خندد و در مورد آپارتمانی که در آن زندگی می‏کنند،می‏گوید:«تنها جنس مکزیکی که اینجا داریم اکتاویو است،آسیا،اروپا،آمریکا...و مسلما مکزیک...سیاست و فرهنگ مکزیک به حرکتش وا- می‏دارد،و از جمله آخرین تألیفاتش یک اثر آموزنده و دقیق دربارهء یک ادیب،شاعر، نمایشنامه‏نویس،فیلسوف و راهبهء مکزیکی است که در قرن 17 می‏زیست و زمانه‏اش را با فکر مستقل و زبان سمبلیک خود که در آن جهان همچون یک دهلیز بزرگ پرپیچ و خم انگاشته‏ می‏شود،و به تعجب واداشت.

دو کتابی را که به انگلیسی منتشر کرده‏ام به او می‏دهم و به عنوان هدیه،از جمله سنگ‏ آفتاب،شعری که در آن ستارهء ونوس و انسان خدائی Quetzakoatl ارزش زیادی دارند از او می‏گیرم.در کتابم«یک ماجرای مکزیکی،کوتزال کوتال سخن می‏گوید»از آن شهرمداری‏ می‏نویسم که 584 خطش معادل 584 روز گردش مدار ونوس است.حضور خدایان در خانهء اکتاویو متوجهء این موضوع شدند،و من بعدا که به ملاقاتم با او فکر کردم به صلح(پاز) اندیشیدم و به خورشید،به انسانیت خورشیدی تقریبا زاه شده سخن گفتیم.در مؤلفهء ادبی خود «چنگ و کمان»که هنوز به سوئدی ترجمه نشده او به معنی وسیع کلمه از شعر و فرهنگ‏ مغرب زمین می‏نویسد.از جمله از«ویلیام بلیک»از«نووالیس»،از سوررئالیستهای فرانسه،از جیمز جویس«...و از دنیای شعر آمریکای لاتین.این مؤلفهء ادبی با این کلمات آغاز می‏شود، «شعر دانش است،نجات،قدرت،رهایی.با قدرت تغییر جهان.فعالیت شعری انقلاب طبیعت‏ است،یک تمرین روانی،وسیله‏ای برای آزادی درونی.شعر این جهان را رسوا می‏کند،و جهانی‏ دیگر می‏آفریند.»